

جنگل های ایران؛ ارزش ها و تهدیدات

مقدمه:

توسعه پایدار که در کلی ترین مفهوم، تامین کننده نیاز نسل حاضر و نسل های آینده و یا "فردا را در امروز دیدن" باشد، همواره موضوع حفاظت از زمین و به تبع آن حفاظت از جنگل ها را مد نظر قرار میدهد. زیرا جنگل ها به عنوان یکی از منابع مهم اکسیژن برای موجودات زنده و نیز بقای زیستکره در قالب جنگل های پایدار (SUSTAINABLE FOREST) مدتهاست در دستور کار تدوین سیاست های استراتژیک بسیاری از کشورها قرار گرفته است. این امر پیش و بیش از آنکه مورد توجه برنامه ریزان و سیاستمداران باشد، توسط تشکل های غیر دولتی زیست محیطی و کارشناسان و محققین مورد عنایت قرار گرفته است، ولی باید به این نکته اشاره کرد که در برنامه های سوم و چهارم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور به مقوله توسعه پایدار جنگل های کشور توجه خاص و مهمی شده است و در این راستا طرح های جامع و مدونی تهیه شده است.

تهدیدات تنوع زیستی در ایران

تهدیدات در سطح ملی

۱- جنگل زدایی و تخریب: ایران دارای پوشش جنگلی کمی است به دلیل اینکه جنگل ها کمتر از ۱۰٪ سطح سرزمین را پوشانیده است. با این حال این جنگل ها بخش عمده ای از تنوع زیستی کشور را دربر می گیرند. بخش ایران از منطقه حساس زیستی قفقاز شامل جنگل هیرکانی در دامنه های شمالی منطقه البرز است و مناطق حساس زیستی از بخش ایران و آناتولی شامل جنگل های بلوط زاگرس و دامنه جنوبی جنگل ارس در دامنه جنوبی رشته کوه البرز را در برمی گیرد. ایران تقریباً تمام منطقه حساس ایران و آناتولی را پوشش داده است. حداکثر ۱۵٪ از گونه های بومی گیاهان منطقه دست نخورده باقیمانده اند چرا که بیشتر گونه ها روند کاهشی داشته اند.

در گذشته جنگل زدایی و تخریب به دلیل برداشت چوب (بریدن درختان) توسط شرکت های تجاری بوده اما امروزه این فعالیت ممنوع شده است که خود عاملی برای کاهش فشار بر جنگل می باشد. با این وجود برداشت از چوب به صورت غیر قانونی هنوز ادامه دارد که هم توسط شرکت ها و هم توسط مردم محلی انجام می شود. این شامل گونه های با ارزش تجاری از قبیل ممرز، سرخدار، شمشاد، بلوط، آزاد، افرا، گیلان و وحشی است. در کنار برداشت تجاری از چوب همچنین از چوب به عنوان منبع انرژی در مناطق دور افتاده با زیر ساخت های کم

و با توجه به افزایش قیمت سوخت استفاده می شود که این خود علتی برای افزایش تخریب زیستگاه های جنگلی است.

۲- اخیراً برنامه های توسعه دولتی بر توسعه زیر ساخت ها از جمله راه ها، معادن، صنایع در مناطق حساس اکولوژیکی تمرکز یافته اند. راه ها موجب تخریب جنگل و تسهیل دسترسی به منابع آن می شود. گردشگری نیز از تهدیداتی است که به تازگی ظهور پیدا کرده است (به خصوص با توجه به توسعه زیر ساخت ها).

۳- فعالیت های دامداری نیز مناطق جنگلی را مورد تهدید قرار می دهند به دلیل اینکه دامداری متمرکز موجب فشردگی خاک و صدمه به نهال ها و جوانه های درختان می شود که مورد چرای دام قرار می گیرند. به دلیل ضعف در دانش و کشاورزی (از جمله کاهش حاصلخیزی خاک) روش های کشاورزی ناکارآمد بوده و موجب تغییر کاربری اراضی جنگلی به اراضی کشاورزی برای افزایش تولید می شود.

جنگل زدایی و تخریب موجب پارگی زیستگاه های طبیعی شده و ارتباط بین مناطق حساس کلیدی را که زیستگاه حیات وحش هستند قطع می کنند. این عامل باعث کاهش عرصه زیستی برای بسیاری از گونه ها می شود و بقاء آن ها را تهدید می کند و موجب کاهش تنوع زیستی می شود. به دلیل توسعه کشاورزی جمعیت بسیاری از گونه های دشتی مانند میش مرغ به شدت کاهش یافته اند. همچنین یوزپلنگ آسیایی به دلیل آن که جمعیتش در اواخر قرن بیست به شدت کاهش یافت و زیستگاهش دچار پارگی شد، در خطر انقراض جدی قرار گرفت. از دیگر عوامل کاهش جمعیت یوز در ایران می توان به کاهش منابع تغذیه ای و تلفات یوز به دلیل شکار غیر مجاز اشاره نمود.

۴- **شکار:** شکار غیر مجاز حیات وحش از سال های ۷۰ به شدت افزایش یافته است. جانورانی که بیش تر در معرض تهدید هستند پلنگ، خرس قهوه ای، گرگ و خوک وحشی هستند. این جانوران یا به دلیل پوست و گوشت خود و یا به دلیل تعارض و صدمه رسانی به باغات و محصولات کشاورزی شکار می شوند. تعدادی از انجمن های غیر دولتی فعال در تلاشند تا گونه های پرچم مانند زیر گونه گوزن زرد ایرانی که در اواخر دهه ۶۰ در حال انقراض بود (به دلیل شکار بی رویه) را حفظ کنند. جمعیت گور آسیایی نیز به دلیل شکار در حال کاهش است.

۵- **تغییرات آب و هوا:** بخش مهمی از ایران کوهستانی است و زیستگاه های مرتفع کوهستانی از جمله زیستگاه هایی هستند که در بیشترین معرض تهدید در مقابل تغییرات آب و هوا قرار دارند. با افزایش دما، زیستگاه ها به تدریج به طرف ارتفاعات کشیده می شوند و عرصه های زیستگاهی کاهش می یابند. در واقع با افزایش ارتفاع گونه های بومی نیز افزایش می یابند و این خود عاملی برای کاهش گونه ها در ارتفاعات بلند کوهستانی است. کوهستان های جنگلی مانند جنگل هیرکانی که از مناطق حساس زیستی به شمار می روند ممکن است گونه های بسیاری را از دست بدهند.

مناطق خشک ایران با توجه به تغییرات آب و هوا خشک تر می شوند که خود موجب جابجایی عرصه ها برای گونه های گیاهی و جانوری این مناطق می شود که در حال حاضر نیز شرایط سخت خشکسالی و شوری را تجربه می کنند. با تغییر دما و بارندگی، احتمال می رود که عرصه های جنگلی بیش تری به کشاورزی تبدیل شوند (به دلیل کاهش تولید).

در کنار افزایش دما و خشکسالی، اقلیم غیر مترقبه مانند بارندگی های نامنظم (از نظر مکانی و زمانی) و شرایط آب و هوایی نامتعادل مورد انتظار است. آتش سوزی جنگل ها در حال حاضر مشکل بزرگی در شمال ایران است که در سال های آینده ممکن است بیش تر و شدیدتر شوند. تالاب ها نیز به طور خاص تحت تاثیر شرایط بارندگی قرار می گیرند. تغییرات آب و هوا می تواند تداخل در ارتباط بسیاری از گونه ها (به خصوص گونه های مهاجر) از نظر زمانی و مکانی ایجاد کند و بقاء بسیاری از گونه ها را مورد تهدید قرار دهد.

تهدیدات تنوع زیستی در سطح چشم انداز جنگل هیرکانی

فعالیت انسانی:

با وجود غنا و تنوع زیستی بالا در جنگل هیرکانی، بین سال های ۱۹۵۵ و ۲۰۰۰ میلادی (از ۱۳۳۴ تا ۱۳۷۹) این جنگل ها تقریباً نصف شدند (از $\frac{3}{4}$ میلیون هکتار به $\frac{1}{85}$ میلیون هکتار). این امر موجب کاهش شدید تنوع زیستی شد البته نه تنها به موجب تغییر کاربری و از دست رفتن زیستگاه ها، بلکه به دلیل تخریب جنگل و پارگی زیستگاهی. دلایل اصلی جنگل زدایی شامل جنگل تراشی، تغییر کاربری ها (به کشاورزی و شهرک سازی)، دامداری بی رویه است. تراکم جمعیت (۱۲۶ نفر در کیلومتر مربع) و افزایش این گونه فعالیت ها منابع طبیعی جنگل هیرکانی را تحت فشار زیادی قرار داده است. از سال ۱۹۷۶ میلادی (۱۳۵۵) جمعیت سه استان گیلان، مازندران و گلستان از ۴ میلیون نفر به $\frac{7}{3}$ میلیون نفر افزایش یافته است که فشار زیادی به سیمای این سرزمین وارد می کند. این فشار در ماه های تابستان افزایش می یابد چون تعداد گردشگران بالاست. گیلان در بین سه استان پر جمعیت ترین است و جنگل در این بخش بیش تر تخریب شده است.

برداشت غیر مجاز چوب:

برداشت غیرمجاز از درختان جنگلی توسط جوامع محلی برای مصارف خانگی مرسوم است. این مصارف شامل گونه های با ارزش تجاری از قبیل ممرز، سرخدار، شمشاد، بلوط، آزاد، افرا، گیلاس وحشی می شود، که خود موجب تخریب جدی تر جنگل می شود. با این وجود، از سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۰)، برداشت چوب به شکل واضحی کاهش یافت. برای مثال، از ۱۷۰۰۰ متر مکعب در سال ۱۹۹۱ میلادی به ۵۰۰۰۰ متر مکعب در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) رسید. این به دلیل اجراء جدی تر قوانین و مقررات و فراهم نمودن سوخت های جایگزین بود. خط گاز هم اکنون نیز در حال گسترش است تا جای چوب را به عنوان منبع اصلی سوخت پر کند اما قیمت سوخت گازی برای بسیاری از

مردم بالاست و این مبلغ با حذف یارانه های انرژی، بیشتر هم شده است. پس وابستگی به سوخت فسیلی هنوز وجود دارد و تا زمانی که قیمت انرژی بالا بماند این وابستگی کم نمی شود.

استفاده های ناپایدار از کشاورزی:

جنگل ها همچنین توسط خرده کشاورزان پاکتراشی می شوند تا تبدیل به زمین کشاورزی شوند. این امر به دلیل آن است که اراضی تحت مالکیت مردم معمولاً کوچک هستند (برای مثال در مازندران یک خانواده به طور متوسط ۶ هکتار زمین دارد) و زمانی که خانواده بزرگ است (مثلاً ۶-۵ نفر به طور متوسط)، مساحت زمین برای آن که بتواند از یک خانواده حمایت مالی کند کم می شود. همچنین به دلیل اجراء ضعیف قانون منع پاکتراشی جنگل، جوامع محلی به جای بهره وری بیشتر از امکانات موجود (کشاورزی متمرکز)، به دنبال پاکتراشی مناطق جدید هستند. مشکل دیگر ناکارآمدی فنون کشاورزی و ماشین آلات و کمبود متخصصین است. در نتیجه پاکتراشی، یکی از راه های اصلی برای افزایش تولید است به جای اینکه فناوری های کشاورزی کارآمدتر باشد. از مجموع مساحت ۵/۸ میلیون هکتار در سه استان، ۱/۳ میلیون هکتار تحت کشت محصولات باغی و سالانه است و ۱/۹ میلیون هکتار تحت پوشش جنگل قرار دارد.

چرای بی رویه و تخریب پوشش کف جنگل :

روستاها و زیادهای زیادی در چشم انداز هیرکانی مشغول دامداری (اعم از گاو و گوسفند و بز) هستند. این منطقه فاقد مراتع طبیعی است و این دام ها بیش تر در مزارع چرا میکنند. با این وجود برای تعداد دام موجود مقدار خوراک در دسترس ناکافی است و به خصوص در اوایل بهار و اواسط پاییز کشاورزان به دام خود اجازه می دهند تا در مناطق جنگلی از بوته ها و نهال درختان جنگلی تغذیه کنند که این خود از شکوفایی طبیعی گونه های درختی جلوگیری می کند. به علاوه دامداران به طور غیر مجاز درختان و بوته ها را می برند تا فضاهای بازی را ایجاد کنند تا گیاهان علفی به سرعت رشد کنند و چراگاه های جدیدی را بوجود آورند. این فعالیت ها موجب تخریب عرصه و از بین رفتن جنگل ها می شود. ادارات استانی تحت حمایت ادارات مرکزی سالهاست که برای کاهش تخریب جنگل تلاش می کنند (مثال: جنگل کاری و محدود و متعادل ساختن تعداد دام) و گزارشات همواره تاکید دارند برای استفاده از چرای دام به عنوان یک ابزار مدیریت جنگل، بهتر است چرا به صورت برنامه ریزی شده و هماهنگ انجام شود و ایده استفاده چند منظوره از جنگل پیگیری شود.

توسعه اقتصادی ناهماهنگ:

در بیشتر مواقع، توسعه اقتصادی موجب کاهش تنوع زیستی می شود به دلیل آن که سیستم های تصمیم گیری در دولت نیازهای مربوط به مدیریت تنوع زیستی را در نظر نمی گیرند. آنها همچنین خدمات اکوسیستمی متنوعی را که جنگل های هیرکانی ارائه می دهند در نظر نمی گیرند و هزینه های محیط زیستی توسعه را محاسبه نمی کنند. اخیراً، برنامه های توسعه ای مورد حمایت دولت به منظور توسعه زیرساخت ها (از قبیل جاده، صنعت و معادن) در مناطق

اکولوژیکی حساس بوده، در حالی که جاده ها موجب افزایش جنگل زدایی و تخریب شده و دسترسی را به مناطق جنگلی تسهیل می کنند و سایر زیرساخت ها توسعه ای نیز موجب افزایش جمعیت می گردند. مرتبط با این موضوع، بحث گردشگری است. به صورتی که بی رویه شدن گردشگری داخلی یک تهدید جدی برای تنوع زیستی در منطقه هیرکانی محسوب می شود (به دلیل ایجاد و توسعه زیر ساخت ها و رها سازی زباله توسط گردشگران). یکی از چالش های اصلی یافتن راهکارهای مالی و اقتصادی برای حفاظت و استفاده پایدار از چشم انداز جنگل هیرکانی است تا بتوان تقاضاهای مختلف (بعضا در رقابت با هم) را در کنار هم دید. برای مثال فعالیت های زیست بوم گردی (اکوتوریسم)، از جمله پرنده نگری می تواند اثرات منفی کاربری های دیگر را بر محیط زیست کاهش دهد. منافع مهم محیط زیست جهانی با تقویت وضعیت تنوع زیستی و ترسیب کربن قابل دستیابی هستند.

تغییرات آب و هوا:

در دراز مدت، تغییرات آب و هوا تهدیدات جدیدی را ایجاد میکند. در طول نیم قرن اخیر، متوسط دمای سالیانه از ۱/۲۸ درجه به ۲/۴۵ درجه افزایش پیدا کرده است. همچنین روند کلی به طرف کاهش میزان بارندگی و افزایش حوادث غیر مترقبه است (هم از نظر فضایی و هم از نظر زمانی). تخریب جنگل در اثر تغییرات آب و هوا تشدید می شود که خود کیفیت زیستگاهی را کاهش می دهد (گونه های مختلف در مقابل تغییرات قدرت تطابق متفاوتی دارند). تغییرات زیستگاهی گونه ها را مورد تهدید قرار می دهد و زمانی که آن ها به طرف مناطق تخریب شده پناه می برند احتمال بقاء آن ها کم می شود. افزایش بیشتر دما همچنین، گونه های مختص ارتفاعات بلند کوهستانی در کوهستان البرز و تالش را دچار کاهش تنوع زیستی می کند. تغییرات آب و هوا همچنین تعداد و شدت آتش سوزی ها را افزایش می دهد که در حال حاضر نیز مشکل بزرگی است.

وسعت جنگل:

۱۰ کشور جهان شامل روسیه، استرالیا، برزیل، کنگو، کانادا، اندونزی، آمریکا، پرو، هند و چین، ۷۵ درصد کل جنگل های جهان را در اختیار دارند. روند جنگل زدایی در دنیا از ۱۹۹۲ میلادی که کنفرانس ریو برگزار شد، رو به کاهش است، افزود: از ۱۴ میلیون هکتار جنگل قطع شده در جهان ۳/۷ میلیون هکتار حذف و ۷/۶ احیا می شود که از این میزان ۳۶ درصد جنگل های اولیه هستند که ۸/۳ درصد جنگل های جهان دست کاشت می باشند.

درباره وسعت کل جنگل های کشور در گذشته دور اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. آثار و شواهد تاریخی در گوشه و کنار کشور، یادداشت های مورخین ایرانی و خارجی و همچنین بقایای جنگل های مخروبه امروزی در مناطق مختلف کشور این نظریه را تایید می کند که ایران در گذشته دارای جنگل هایی به مراتب وسیعتر و مرغوب تر از امروزه بوده است. سازمان فائو طبق آمار هایی که منتشر نموده است در سال ۲۰۰۱ که در آن "درصد سطح جنگل نسبت به سطح کل کشور" را بیان نموده که طبق آن عدد "سطح جنگل نسبت به کل کشور" در قاره آسیا به طور میانگین ۱۹٪ است که نشان

می دهد که ما در گذشته دور در حد میانگین این قاره بودیم ولی امروزه فقط صاحب یک سوم آن هستیم. با توجه به این موضوع می توان اذعان کرد که در زمان ایران باستان حداقل ۲۰ درصد سطح کشور ما پوشیده از جنگل بوده است. اولین برآورد در مورد جنگل های ایران را در سال ۱۳۲۱ خورشیدی مرحوم مهندس کریم ساعی انجام نموده که ۱۹,۵ میلیون هکتار بوده است. ساعی در سال ۱۳۲۹ در دومین برآورد خود سطح جنگل های ایران را ۱۸,۷ میلیون هکتار عنوان کرد.

در سال ۱۳۴۳ دفتر فنی مهندسی منابع طبیعی ایران آمار رسمی مساحت جنگل های کشور را ۱۸ میلیون هکتار نشان داده است. امروزه طبق آخرین آمار و اطلاعات در سال ۱۳۷۹ سطح جنگل های ایران حدود ۱۱ میلیون هکتار و معادل ۷,۴٪ سطح کل کشور می باشد. توجه به این آمارها می توان گفت که جنگلهای کشور در حال کاهش بوده و این روند همچنان ادامه دارد سرانه جنگل در ایران برای هر نفر ۰,۲ هکتار است که میانگین جهانی این مقدار حدود ۰,۷ هکتار است. بر اساس تعریف فائو یعنی مناطقی که حداقل تاج پوشش ۱۰ درصد به بالا باشد و توده جنگلی کمتر از نیم هکتار و درختان و درختچه ها کمتر از ۵ متر نباشد جنگل محسوب شده و مساحت جنگل های ایران ۱۱ میلیون و ۷۴ هزار و ۵۵۴ هکتار تخمین زده است ، اما بر اساس تعریف سازمان جنگل ها که حداقل تاج پوشش ۵ درصد به بالا در نظر گرفته شده است، وسعت جنگل های ایران حدود ۱۴ میلیون هکتار است. که این دو آمار با هم مغایرات دارد.

توجه به آمار های ارائه شده مستند به گزارشات سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور و FAO تقریباً یک سوم جنگل های کشور از بین رفته است. به طور میانگین عدد "سطح جنگل نسبت به کل کشور" در دنیا ۳۰٪ است که با مقایسه با کشورمان، درصد مساحت ما یک چهارم میانگین جهانی و سرانه جنگل در ایران برای هر نفر حدود ۰,۲ هکتار است. درحالی که میانگین جهانی این مقدار حدود ۰,۶ هکتار است.

تعریف جنگل و انواع آن

منطقه وسیعی پوشیده از درختان، درختچه ها و گونه های علفی است که همراه با جانوران وحشی نوعی اشتراک حیاتی گیاهی و جانوری را تشکیل داده و تحت تأثیر عوامل اقلیمی و خاکی قادر است تعادل طبیعی خود را حفظ کند.

جنگل بسته به نوع پیدایش آن و خصوصیات ساختاری به جنگل بکر، جنگل طبیعی، جنگل مصنوعی یا جنگل دست کاشت طبقه بندی میشود.

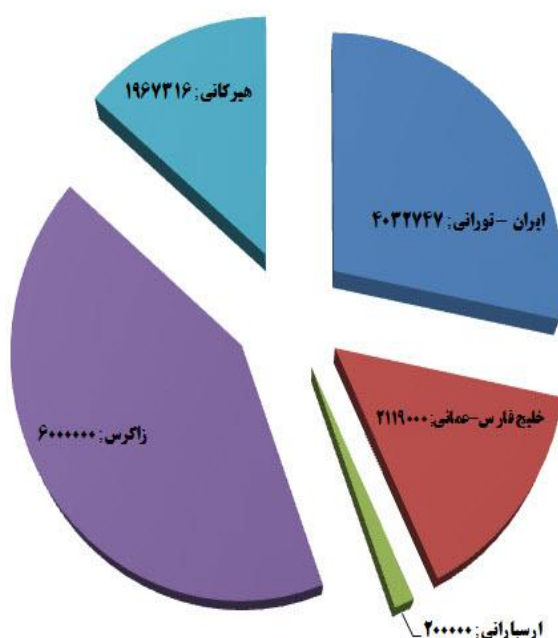
امروزه سعی بر این است که جنگل های بکر باقی مانده بر روی کره زمین را حفظ و زا آنها به عنوان ذخیره گاههای اطلاعات ژنتیکی و تنوع زیستی استفاده شود. امروزه تبدیل جنگلهای بکر به جنگلهای صنعتی قابل توجه نیست و نگهداری آنها حتی از نظر اقتصادی نیز توجه پذیر است. جنگل طبیعی، جنگلی است که بدون دخالت انسان به وجود آمده است ولی انسان به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن دخالت (بهره برداری) کرده است. جنگلهای بکر، دست خورده و بهره برداری شده تبدیل به جنگل های طبیعی می شوند. علاوه بر سه نوع جنگلی که تعاریف آن ذکر شده در کشور ما

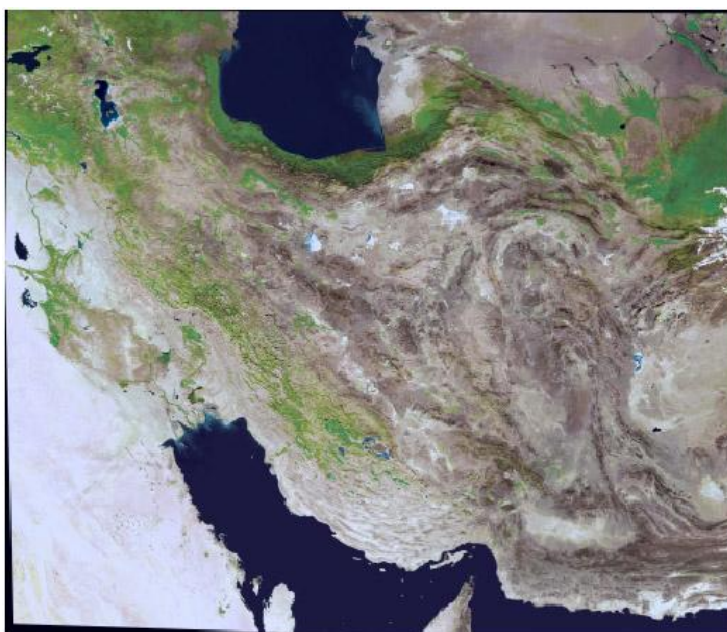
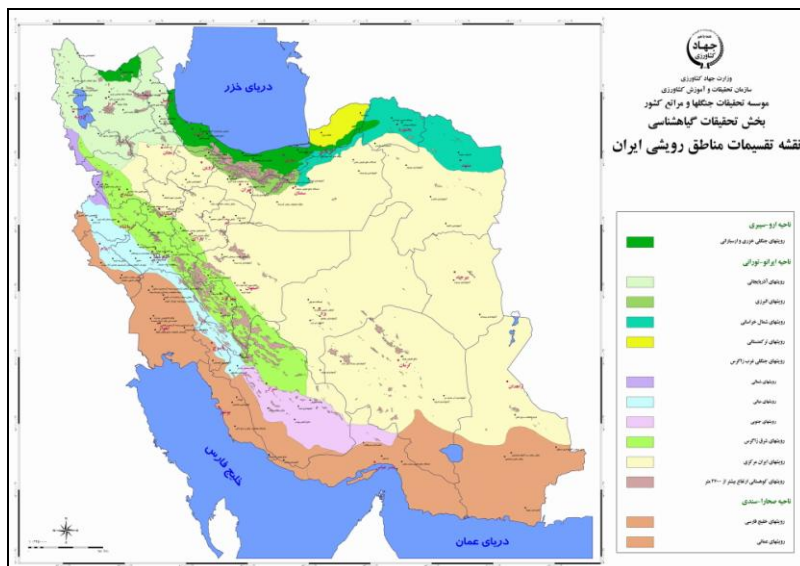
از اصطلاح بیشه هم استفاده میشود. ما بیشه را معمولاً برای پوشش گیاهی به کار میبریم که اطراف رودخانه و شیار دره ها در مناطق خشک ظاهر می شوند. این واژه به تجمع درختچه ها و نزارها نیز اطلاق میشود. تجربه تلخ چند دهه اخیر نشان می دهد که در غیاب مدیریت علمی، منابع طبیعی چگونه سیر قهقرایی به خود گرفته اند بسیاری از عرصه های طبیعی کشور رو به نابودی نهاده است. طبیعت نابسامان منابع طبیعی در کشورمان ایران همیشه یکی از مهم ترین نگرانی هایی است که ذهن طرفداران و کارشناسان محیط زیست را به خود مشغول ساخته است.

نواحی رویشی ایران

ایران دارای ۵ ناحیه رویشی به شرح زیر است:

- ۱- ناحیه رویشی هیرکانی (خزری) به مساحت ۱۹۶۷۳۱۶ هکتار
- ۲- ناحیه رویشی ایرانی - تورانی به مساحت ۴۰۳۲۷۴۷ هکتار
- ۳- ناحیه رویشی ارسبارانی به مساحت ۲۰۰۰۰۰ هکتار
- ۴- ناحیه رویشی زاگرسی به مساحت ۶۰۰۰۰۰۰ هکتار
- ۵- ناحیه رویشی خلیج - عمانی به مساحت ۲۱۱۹۰۰۰ هکتار





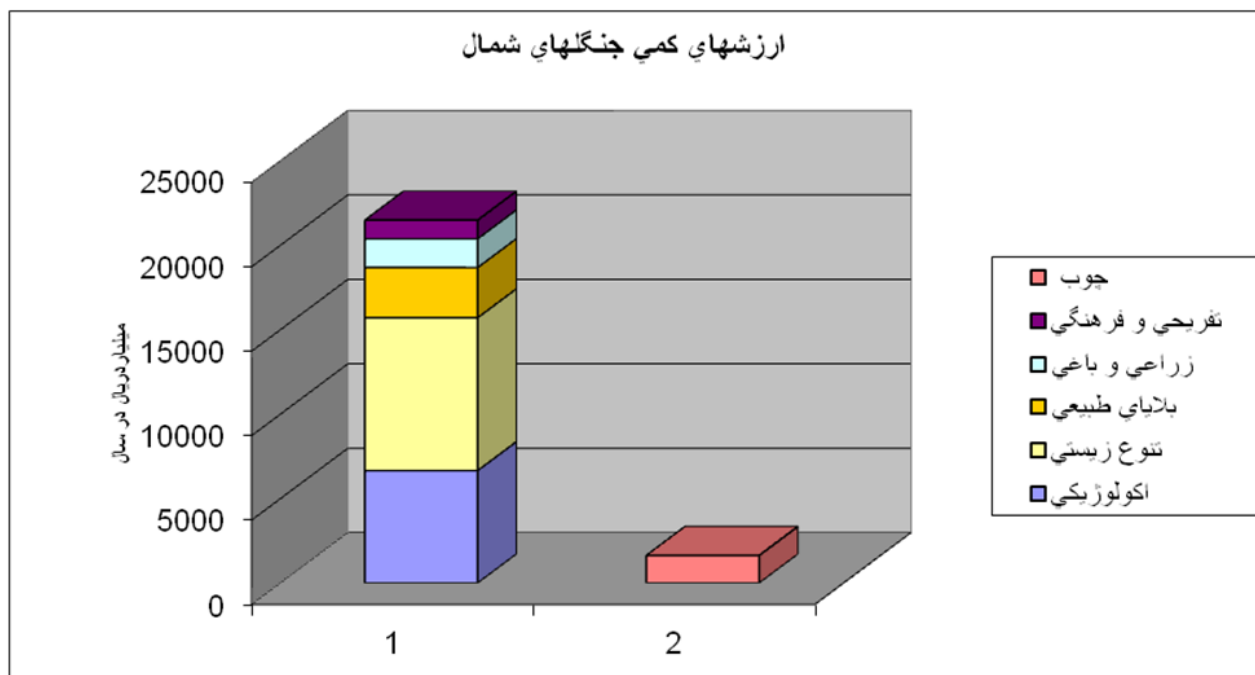
شکل های فوق مربوط به تقسیمات نواحی رویشی و همچنین پراکنندگی جنگل های ایران (رنگ سبز) است.

جنگل های شمال ایران شامل جنگل های خزری و ارسباران

این جنگل ها از نظر جغرافیای گیاهی در منطقه هیرکانی واقع شده است و گونه های تشکیل دهنده آن جزء گونه های پهن برگ خزان کننده هستند. مساحت این جنگل ها در گذشته حدود پنج میلیون هکتار بوده که براساس آمارها در حال حاضر مساحت جنگل های شمال کشور حدود ۲ میلیون هکتار و جنگل های ارسبارانی معادل ۱۶۴۰۰۰ هکتار است. اما در طی سالیان اخیر چرای مفرط دام و همچنین قطع به منظور مقاصد اقتصادی باعث کاهش این جنگل ها شده است. نقطه قابل توجه اینکه این جنگل ها جزء قدیمی ترین جنگل های دنیاست و این منطقه دارای ۸۰ گونه درختی است که از گونه های کم نظیر آن می توان به لیلکی، لرگ، انجیری و سفید پلت اشاره کرد. جنگل های ارسباران که سال ۱۳۵۵ از

سوی یونسکو به عنوان منطقه حفاظتی و ذخیره‌گاه معرفی شده، حدود ۵۰ سال پیش دارای ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار هکتار وسعت بوده است. تخریب به گونه‌ای پیش رفته که امروزه وسعت جنگل‌های این منطقه به ۱۶۴ هزار هکتار کاهش یافته است. سازمان جنگل‌ها اعلام کرده سالانه ۱۰۰ هزار هکتار جنگل احیا می‌شود. ولی کارشناسان معتقدند، این رقم در مقایسه با تخریب‌های انجام‌شده در سال‌های گذشته بسیار ناچیز است. وسعت جنگل‌های شمال کشور که به جنگل‌های ناحیه رویشی هیرکانی یا خزری شهرت دارد را یک میلیون و ۸۴۷ هزار و ۸۸۶ هکتار می‌باشد، این جنگل‌ها در نیم‌رخ شمالی البرز از آستارا در غرب تا گلیداغی در شرق بطول تقریبی ۸۰۰ کیلومتر و عرض ۲۰ تا ۷۰ کیلومتر را پوشش می‌دهد. تصویر ماهواره‌ای سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۸۰ از جنگل‌های شمال نشان می‌دهد که مساحت جنگل‌های شمال از ۲۶۴۰۰۰۰ به ۲۰۵۰۰۰۰۰ هکتار معادل ۲۲ درصد کاهش یافته است. ۷۸ درصد جنگل‌های شمال جزو جنگل‌های تولیدی، ۱۲ درصد حفاظتی و ۱۰ درصد حمایتی و ذخیره‌گاهی هستند. جنگل‌های هیرکانی شمال ایران که بیشتر از نوع پهن برگ و دارای تنوع بسیار است، جزء جنگل‌های منحصربه‌فرد بوده و شهرت جهانی دارد. از جمله درختان موجود در این جنگل‌ها می‌توان به گونه‌های: افرا، بلوط، ممرز، راش و... اشاره کرد. این گونه‌های پهن برگ، وابسته به آب و هوای معتدل اقیانوسی است.

از جنگل‌های جلگه‌ای مازندران به جز مساحت اندکی که به صورت ذخیره‌گاه جنگلی، پارک جنگلی و اثر طبیعی ملی اداره می‌شود، بقیه تماماً از بین رفته و به اراضی مزروعی، ساختمان‌ها و تاسیسات مسکونی و صنعتی و... تبدیل شده است. جنگل‌های کوهستانی این مناطق نیز اکنون تحت شدیدترین فشارهای تخریبی قرار دارد.



مرجع: ارزش گذاری اکولوژیک مناطق جنگلی خزری، بیابانی و کوهستانی (دانشگاه تربیت مدرس اسفند ۱۳۷۹)

جنگل های غرب و جنوب غرب ایران شامل جنگل های زاگرس

این جنگل ها در امتداد رشته کوه زاگرس قرار دارند و رطوبت را از دریای مدیترانه جذب می کنند. مساحت این جنگل ها در گذشته حدود ده میلیون هکتار بوده که به دلیل قطع بی رویه و غیر اصولی به کمتر از شش میلیون هکتار کاهش پیدا کرده است و مهمترین (گونه غالب) گونه درختی این ناحیه بلوط ایرانی می باشد. یازده استان کشور در حوزه رویشگاه زاگرس قرار دارند. جنگل های زاگرس بالغ بر ۴۲ درصد جنگل های کشور را تشکیل داده که در محدوده ای ۳۰ میلیون هکتاری پراکنده است. بیش از ۴۰ درصد آب شیرین کشور و ۸۰ درصد جمعیت عشایری در زاگرس واقع شده است. در این جنگل ها تاکنون بالغ بر ۱۸۰ گونه درختی و درختچه ای شناسائی شده که خود نمایانگر ارزش ژنتیکی این جنگل هاست. شاخص منطقه زاگرس، درخت بلوط است، اما سایر گونه های درختی نظیر بنه، بادامک، ارژن، کیکم، گلابی وحشی و ... نیز در این ناحیه دیده می شود.

تهدیدات جنگل های زاگرسی

در حال حاضر جنگل های زاگرسی با مشکل زوال و نابودی تدریجی مواجهه شده اند که بنا بر آمار سازمان جنگل ها حداقل ۱۱۰۰۰۰۰ هکتار را تحت تاثیر قرار داده است. همچنین بیش از ۶۰ درصد جنگل های زاگرس در کلاسه انبوهی جنگل تنک (تاج پوشش ۵ تا ۲۵ درصد) قرار دارد. ضمناً جنگل های دانه زاد زاگرس، متشکل از درختان کهنسال است و در معرض خطر پوسیدگی و باد افتادگی قرار دارند. چرای مفرط و کوبیدگی خاک در اغلب مناطق جنگلی زاگرس، زراعت دیم، کشت زیر اشکوب، فعالیت های راهسازی و معادن، تغییرات اقلیمی، بیماری خشکیدگی، بهره برداری ناپایدار از منابع آب سطحی و زیر زمینی و فرسایش از مهمترین عوامل زوال اکوسیستم زاگرسی محسوب می شوند. در اغلب اراضی جنگلی، مانع بقاء هر گونه زادآوری درختان است.

نابودی پوشش گیاهی در منطقه زاگرس به حدی است که بنا به اذعان برخی مسئولین، تجدیدپذیری طبیعی در این جنگل ها، عملاً غیرممکن است و بالغ بر ۱۸۶ گونه گیاهی نایاب در معرض نابودی قرار دارند. در لرستان طی سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۲ و در یک دوره ۱۰ ساله سی هزار هکتار از جنگل های استان از بین رفتند که این نرخ معادل ۲/۵ درصد سالیانه است و این را می توان به سایر نواحی رویشی زاگرس بسط داد.

جنگل های فلات مرکزی ایران (ایران و تورانی) شامل جنگل های بیابانی و کوهستانی

فلات ایران جزء مناطق خشک و نیمه خشک غیر جنگلی محسوب می شود که نیمی از سطح کشور را می پوشاند و دلایل آن خاک شور، بارندگی کم و گرمای زیاد است. وسعت این جنگل ها حدود سه میلیون هکتار برآورد شده است که از مهمترین گونه های آن می توان به تاغ، گز، گون، پسته و بادام اشاره کرد.

جنگل های جنوب ایران شامل سواحل خلیج فارس و دریای عمان

این جنگل ها اغلب به صورت پراکنده و کم پشت وجود دارند که با عنوان گرم سیری و نیمه استوایی قید شده اند. مساحت این جنگل ها حدود ۵۰۰ هزار هکتار است و از گونه های معروف آن می توان به گونه حرا اشاره کرد که به افتخار دانشمند بزرگ ایرانی ابو علی سینا نامگذاری شده است. از جمله جوامع گیاهی ناحیه رویشی سواحل جنوب کشور جامعه حرا و چنندل (جنگل های مانگرو) است. وسعت جنگل های دریائی (مانگرو) در ۲۵ سال گذشته حدود ۲۰۰ هزار هکتار بوده که در حال حاضر این میزان به ۱۸ هزار هکتار رسیده است و به عبارتی دیگر سالیانه حدود ۲۵۰۰ هکتار از وسعت آن کم شده است.

جدول شماره (۱): میزان جنگل کشور بر اساس مطالعات سال (۱۳۸۹) - بیش از ۱۰ درصد تاج و پوشش

ردیف	سطح جنگل	مساحت (۱۰۰۰ هکتار)
۱	جنگل های خارج از شمال	۸۶۳۶
۲	جنگل های شمال کشور	۱۸۴۷
۳	جنگل دست کاشت	۵۹۲
۴	جمع کل	۱۱۰۷۱

امروزه طبق آخرین آمار و اطلاعات در سال ۱۳۷۹ سطح جنگل های ایران حدود ۱۲,۴ میلیون هکتار و معادل ۷,۴٪ سطح کل کشور است. (گزارش سازمان فائو F.A.O در سال ۲۰۰۱).

بر اساس اطلاعات ارائه شده به FAO در سال ۲۰۱۰ که بر مبنای تصاویر ماهواره ای سال ۱۹۹۸ تهیه شده سطح جنگل های کشور ۱۱۰۷۵۰۰۰ هکتار است.



تاریخ برداشت عکس هوایی : ۱۳۳۴



تاریخ برداشت عکس هوایی : ۱۳۷۳

کمیته صیانت از جنگل های کشور:

در راستای تاکیدات مقام معظم رهبری در سخنرانی ۹۳/۱۲/۱۷ مبنی بر صیانت از محیط زیست و جنگل های کشور و پیرو تاکیدات ریاست سازمان حفاظت محیط زیست خانم دکتر ابتکار، کمیته صیانت از جنگل های کشور با حضور اعضای زیر که جمعی از اساتید دانشگاهی و صاحب نظران و متخصصین را شامل می شود در دفتر زیستگاهها و امور مناطق تشکیل شده است:

جناب آقای دکتر مخدوم

استاد محترم و عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران

جناب آقای دکتر مهاجر

استاد محترم و عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
جناب آقای دکتر فقهی

استاد محترم و عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
جناب آقای دکتر اعتماد

استاد محترم و عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
جناب آقای دکتر کیادلیری

استاد محترم و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
جناب آقای دکتر جهانی

استاد محترم و عضو هیئت علمی دانشگاه محیط زیست
جناب آقای دکتر قصریانی

عضو محترم هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل و مرتع
جناب آقای دکتر اشرفی پور

نماینده محترم سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور
جناب آقای دکتر بالی

رئیس محترم گروه بررسی های جغرافیایی و پشتیبانی مناطق
جناب آقای مهندس رئیسی

کارشناس محترم دفتر زیستگاهها و امور مناطق
و نمایندگان دفتر حقوقی و امور مجلس و دفتر بازرسی و ارزیابی عملکرد

اهداف این کمیته عبارتند از:

الف - بررسی طرح تنفس حداقل ۱۰ ساله جنگل های شمال کشور و قطع بهره برداری های چوبی همانطور که در بخش های قبلی گزارش ارائه شده است فواید بهره برداری چوبی صرفا بخش کوچکی از خدمات جنگل را شامل گشته که با توجه به خدمات اکوسیستمی گسترده جنگل و همچنین در معرض نابودی قرارگرفتن جنگل های شمال میزان سود عایدی از این بخش بسیار بسیار کم می باشد.

دلایل ضرورت قطع بهره برداری های چوبی از جنگل های شمال:

۱- جنگل های شمال کشور به عنوان یک پدیده منحصر به فرد در جهان شناخته شده و جزء محدود جنگل های اولیه دنیا هستند.

۲- جنگل های شمال ایران منعکس کننده سابقه دیرین شناسی کره زمین به شمار می روند.

۳- تحقیقات میدانی حاکی از کاهش شدید کیفیت و سطح جنگل های موصوف در دهه های گذشته است، به طوریکه با روند تخریب کنونی نابودی آن در دهه های آینده کاملاً محتمل است.

۴- مدیریت و سیاست گذاری مناسب برای انجام دقیق طرح های جنگل داری اعمال نشده است.

۵- قاجاق چوب در جنگل و از جمله داخل طرح های جنگل داری صورت می گیرد.

لذا در این راستا کمیته صیانت از جنگل های کشور نسبت به تنظیم پیش نویس برنامه توفیق بهره برداری چوبی از جنگل های شمال کشور و سازوکار های اجرائی آن را تنظیم و به مبادی ذی ربط ارسال تا بزودی در این خصوص تصمیم گیری شود.

ب- میراث طبیعی جهانی

با توجه به نوشتار پیشین و اهمیت جنگل های هیرکانی کمیته مذکور سه حوزه به نام حوزه توسکستان در استان گلستان ، حوزه پلی رود در استان گیلان و حوزه دو هزار و سه هزار را شناسائی تا به تدرج پس از تکمیل مطالعات و جمع بندی به یونسکو برای ثبت جهانی ارسال شود.

پ - سایر موارد

چالش های پیش رو دو سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور و موضوعات جاری نیز در کمیته بررسی می شود.